

او چگونه سردار دل‌ها شد؟

در سیاست هیچگاه وارد جناح‌بندی‌های مرسوم نشد و آن چه در عمل و نظر آن را پیگیری می‌کرد منافع ملی بود. در عین حال با همه گروه‌ها و جریان‌ها مراوده و تعامل داشت.



در سیاست هیچگاه وارد جناح بندی های مرسوم نشد و آن چه در عمل و نظر آن را پیگیری می کرد منافع ملی بود. در عین حال با همه گروه ها و جریان ها مراوده و تعامل داشت. این مراودات در آن زمان برای بعضی ها که بعد از شهادت هوادار دوآتشه سردار شدند، قابل تحمل نبود و این را به زبان هم می آوردند.

به گزارش ایسنا، محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: «در گذر روزها و کوران حوادث، آن چه قضاوت عمومی درباره چهره های شاخص را می سازد، نه صرفاً کارنامه افراد بلکه شیوه زندگی و مشی عمل و مشخصه های شخصیتی آنهاست. شهید سپهد قاسم سلیمانی امروز در نگاه مردم ایران، یک چهره ملی در رده قهرمانان اساطیری این مرز و بوم است. او خود را وقف مردم و نظام کرده بود و به معنای واقعی کلمه معتدل بود؛ چرا که هیچ گاه خود را در جناح های سیاسی محصور نکرد. در عین حال او صرفاً متعلق به مردم ایران نیست و در میان مسلمانان و ملت های منطقه نیز چهره ای فوق العاده محبوب است. سالگرد جنایت ناجوانمردانه ترور ایشان، فرصت مناسبی برای بازخوانی برخی از ویژگی هایی است که او را به این جایگاه بی بدیل رسانده است.

حاج قاسم، مرد میدان بود. موفقیت در میدان نبرد برای یک فرمانده، به هزار و یک ویژگی بستگی دارد اما یک ویژگی از همه موارد دیگر مهم تر است و آن شجاعت است. او این ویژگی را در حد اعلا داشت و امروز حتی در میان دشمنانش کسی نیست که تردیدی در این باره داشته باشد. این شجاعت که از ایمان، توکل و اخلاص او سرچشمه می گرفت، در حقیقت اصلی ترین نقطه تمایز شیوه فرماندهی او با دیگران بود. جان و زندگی اش را با خدا معامله کرده بود و هیچ واهمه ای به دلش راه نداشت. حضور مکررش در خطرناک ترین میدان های نبرد و خطوط مقدم درگیری، خاطره متواتری است که همزمانش به آن اشاره می کنند. این حضور مداوم، برای خودی ها روحیه بخش و برای دشمن هراس انگیز بود.

شجاعت حاج قاسم البته توأم با درایتی تحسین برانگیز هم بود. عمر پربرکتش را در میدان های مجاهدت در راه خدا صرف کرده و این تجربه، دانش و مهارتی سترگ به او بخشیده بود. کاری که او در سوریه و عراق موفق به انجام آن شد، با محاسبات معمول دست یافتنی نبود و به همین دلیل کمتر کسی آن را ممکن می دانست. آن چه در صحنه منطقه در حال وقوع بود، صرفاً قدرت گیری چند گروه کوچک تروریستی در مناطق محدودی از بعضی کشورها نبود. تروریسم تکفیری، ثمره اتحاد نامیمون برخی دولت های مرتجع منطقه و برخی بازیگران شرور فرامنطقه ای بود. پشتیبانی و حمایتی که از این گروه ها از حیث امکانات و لجستیک و نیروی انسانی به عمل می آمد، فراتر از حد تصور بود. همین سبب شده بود که در سوریه و عراق کنترل بخش اعظمی از خاک دو کشور به دست داعش بیفتد. نبرد حاج قاسم با این تروریست ها، به معنای واقعی کلمه نبرد نابرابر بود اما او مرد میدان های بزرگ و نبردهای دشوار بود. پیروزی بر داعش برای مردم سوریه و عراق رؤیایی دست نیافتنی بود اما حاج قاسم، حتی در سخت ترین لحظه ها، همیشه به پیروزی ایمان داشت. همین ایمان بود که رؤیای محال را محقق و تروریسم تکفیری را مغلوب کرد.

محسنت حاج قاسم البته صرفاً در میدان نبرد نبود؛ مردی که شنیدن نامش لرزه بر پیکر تروریست ها می انداخت، در مواجهه با مردم همواره خاشع، متواضع و به شدت مهربان بود. وسعت نظرش در تعامل با اقشار مختلف مردم در هر لباس و مذهب و قومیتی، بی نظیر بود. شخصیتی به واقع مردمی داشت و در همه امور عقلایی عمل می کرد. از مرز کشیدن بین مردم بیزار بود و همه را خودی می دانست. روزی که گفت «همان دختر کم حجاب دختر من است» و به حفظ همه مردم در دایره خودی های انقلاب تأکید کرد، در حقیقت داشت مانیفست جذب حداکثری مقام معظم رهبری را تبیین می کرد. در سیاست هیچگاه وارد جناح بندی های مرسوم نشد و آن چه در عمل و نظر آن را پیگیری می کرد منافع ملی بود. در عین حال با همه گروه ها و جریان ها مراوده و تعامل داشت. این مراودات در آن زمان برای بعضی ها که بعد از شهادت هوادار دوآتشه سردار شدند، قابل تحمل نبود و این را به زبان هم می آوردند. حاج قاسم اما برای خوشایند این و آن حرکت نمی کرد و آن چه برایش اهمیت داشت، رضایت خداوند، مقام معظم رهبری، نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران بود. تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی در کشور، آرمان حاج قاسم بود و شهادت او، به خواست خداوند متعال، اثر مهمی در تحقق همین آرمان داشت. انسجامی که شهادت او چه در میان مردم ایران و چه حتی در بین ملت های منطقه به وجود آورد، محاسبات و نقشه های شوم دشمنان را به هم زد. تصاویر تشییع میلیونی او اول در شهرهای عراق و سپس در کشور خودمان، هنوز از حافظه جمعی مردم پاک نشده. این گردهمایی ها که با حضور حداکثری همه اقشار و گروه ها رقم خورد، در واقع همان تصویر ایده آلی از اتحاد و همدلی مردم بود که حاج قاسم در زمان حیاتش دوست داشت به وجود بیاورد. او همواره به دنبال یکپارچگی در کشور بود و حالا هم بر ذمه همه ماست که راهش را

ادامه دهیم و با تکیه بر اشتراکات، راه را بر هر گونه تفرقه و شکاف و جدایی در کشور ببندیم و آرمان حاج قاسم را محقق کنیم؛
به امید آن روز.»